

عکس موسس رژیم صهیونیستی و شارون

۱۰ آذر ۱۳۹۳ ساعت ۱۸:۰۵

دیوید بن گوریون پس از عمری اشغالگری، سرانجام در اول دسامبر ۱۹۷۳م در هشتاد و هفت سالگی درگذشت.

حاییم افیگدور گرین که بعدها به نام «دیوید بن گوریون» شهرت یافت در سال ۱۸۸۶ در «بونسک» در لهستان آن زمان جزو روسیه بود [چشم به جهان گشود، طی دوره دبیرستان به عضویت یک جمعیت صهیونیستی موسوم به «جمعیت ازرا» درآمد، او به همراه دوستانش در این جمعیت برای کمک به گسترش زبان عبری هم قسم شدند که تنها از بین خود با این زبان سخن بگویند.



دیوید بن گوریون موسس و نخستین نخست‌وزیر رژیم رژیم اشغالگر قدس

بن گوریون به شدت تحت تاثیر کتاب «دولت یهودی» نوشته هرتزل و به خصوص این جمله هرتزل که گفته بود «وقتی تو می خواهی پس این دیگر جزو آرزوها نخواهد بود»، قرار داشت.

بن گوریون بسیار زود اندیشه اهمیت مهاجرت به فلسطین را پذیرفت و در سال ۱۹۰۶ به آن جا مهاجرت نمود و ابتدا در یافا به کار کشاورزی پرداخت.

چهار سال بعد (۱۹۱۰) او به قدس نقل مکان کرد و در مجله عبری زیان «هاشدوت» (وحدت) به عنوان نویسنده مشغول به کار شد و مقالات خود را با نام «بن گوریون» به چاپ می رساند.



دیوید بن گوریون نخستین نخست وزیر رژیم اشغالگر قدس و آرل شارون

بن گوریون به زبان عبری به معنای «بچه شیر» است، بن گورین در این جا به فکر ادامه تحصیل افتاد و برای تحقق این امر راهی آستانه شد تا به دانشکده حقوق دانشگاه عثمانی پیوست او در آن جا با «عبدالله بن الحسین» اولین پادشاه اردن که در سال ۱۹۴۶ به قدرت رسید، آشنا شد. طی جنگ جهانی اول به اتهام فعالیت برای برپایی میهن یهودی در فلسطین دستگیر و به اسکندریه در مصر تبعید شد اما آن جا نیز توسط ماموران انگلیسی به اتهام همکاری با ترک ها دستگیر و از این کشور نیز اخراج شد او این بار تصمیم گرفت عازم آمریکا شود.

او بعد از پنج سال به فلسطین بازگشت تا در سال ۱۹۲۰ اتحادیه سندیکاهای کارگران یهود «هستدروت» (Histadurt) را تاسیس و خود از سال ۱۹۲۱ تا ۱۹۳۵ دبیر کلی آن را عهده دار شود.

بن گورین پس از تاسیس هستدروت بر دامنه فعالیت های سیاسی خود افزود و حزب «آهودات هافودح» (Haabodah Ahdut) را تاسیس نمود این حزب در سال ۱۹۳۰ به حزب کار تغییر نام یافت.

به دلیل فعالیت فراوانی که بن گوریون در بخش های مختلف جنبش صهیونیسم از خود نشان داد سازمان جهانی صهیونیسم در سال ۱۹۲۲ وی را به رهبری فعالیت های صهیونیستی در فلسطین منصوب کرد.

او بعد از آن بین سال های ۱۹۳۵ تا ۱۹۴۸ رئیس کمیته اجرایی آژانس بین المللی یهود در فلسطین شد او با وجود آن که به شدت با «کتاب سفید»ی که دولت انگلیس در سال ۱۹۳۹ منتشر کرد اما با این وجود این کمیته به تبعیت از آژانس بین المللی یهود همکاری تنگاتنگی را با انگلیسی ها در راستای اجرای وعده بالفور داشت.

او در خلال جنگ دوم جهانی می گفت «همراه با انگلیسی ها علیه نازیسم می جنگیم و با انگلیس هم در کارزار کتاب سفید مبارزه می کنیم».

در سال ۱۹۴۷ پس از پایان جنگ دوم جهانی از یهودیان خواست تا به طور موقت قطع نامه سازمان ملل متحد در رابطه با تقسیم فلسطین که خواهان برپایی دو دولت مجزا یکی برای یهودیان و دیگری برای فلسطینیان شده بود، را بپذیرند.

بن گوریون اولین نخست وزیر دولت موقتی بود که در رژیم صهیونیستی پس از اعلام تشکیل خود ایجاد شد، او پس از رسیدن به این پست اقدام به ادغام بسیاری از سازمان های شبه نظامی و نظامی با یکدیگر تحت نام «نیروهای دفاع اسرائیل» نمود.

بن گوریون فرماندهی جنگ هایی که رژیم صهیونیستی با همسایگان عربش بین سال های ۱۹۴۸ تا ۱۹۴۹ صورت گرفت را عهده دار بود، جنگ هایی که طی آن رژیم صهیونیستی موفق به شکست دادن ارتش های عربی شدند، او پس از آن به مهاجرت و ترغیب و تشویق یهودیان برای مهاجرت به فلسطین اشغالی پرداخت به نحوی که حدود یک میلیون تن از اروپای شرقی و کشورهای

در سال ۱۹۵۲ بن گورین با دولت آلمان غربی قرارداد پرداخت خسارت به یهودیان قربانی جنایات نازی‌های «هولوکوست» را امضا کرد.

اعلام کناره‌گیری‌اش از فعالیت‌های سیاسی در سال ۱۹۵۳ بسیار غافلگیر کننده بود، اما او از این موقعیت برای ایجاد یک شهرک صهیونیست نشین در مناطق صحرایی فلسطین استفاده نمود و با ایجاد شهرک صهیونیست نشین «سد بوقیر» (Boqer Sed) با شعار «گریه نکن .. بلکه با من به صحرا بیا» پای برخی از صهیونیست‌ها را برای سکونت به آن‌جا کشاند. در این دوره «موشه شاریت» نخست وزیر رژیم صهیونیستی بود. او در این دوره مقالات متعددی را در مطبوعات رژیم صهیونیستی، آمریکا و انگلیس به چاپ رساند، اما این کناره‌گیری چندان به طول نینجامید و در اوایل سال ۱۹۵۵ بار دیگر به صحنه سیاسی رژیم صهیونیستی بازگشت.

بن گوریون در سال ۱۹۵۶ موافقت نمود به همراه انگلیس و فرانسه در حمله سه گانه علیه مصر شرکت کند. این حمله در پی اعلام ملی شدن کانال سوئز توسط جمال عبدالناصر صورت گرفت.

پس از رسیدن به سن هفتاد و پنج سالگی اعلام کرد مایل است تمام وقت خود را برای پژوهش و نوشتن کتاب صرف کند در حالی که همچنان کرسی خود را در کنیست حفظ نمود اما با این وجود این تصمیم او هم چندان به طول نینجامید و پس از استعفا حزب مخالفی به نام «رافی» (Rafi) را تاسیس کرد.

در سال ۱۹۷۰ به کلی از سیاست کناره‌گیری کرد و وقت خود را به نوشتن چند کتاب از جمله «اسرائیل .. تاریخ شخصی» ۱۹۷۰ و «یهود در سرزمینشان» که پس از مرگش منتشر شد، اختصاص داد.

پس از فوت وی در سال ۱۹۷۳، این احساس در محافل سیاسی اسرائیل پا گرفت که بن گوریون مهندس کشور اسرائیل، قدرت نظامی آن، و نظام اجتماعی پانزده سال اولیه عمر کشور می‌باشد. این احساس حتی در بین مخالفین [سیاسی] وی نیز شکل گرفت. کتاب‌های بسیاری درباره زندگی بن گوریون نوشته شده که مهمترین آنها را «شابتا تیویت» نوشته است. همچنین بن گوریون دارای تعداد زیادی کتاب، مقاله و یادداشت‌های روزانه چاپ شده در روزنامه‌ها و مجله‌ها است.

